

## آواهای هارمونیک در زندگی مسیحیان

۲ قرنن ۴، ۱۴ تا ۱۸

زیرا می‌دانیم او که عیسی خداوند را از مردگان برخیزانید، ما را نیز با عیسی برخیزانیده، با شما به حضور او خواهد آورد. 15 اینها همه به‌خاطر شماست، تا فیضی که شامل حال عدهٔ بیشتر و بیشتری می‌شود، سبب شکرگزاری هر چه بیشتر برای جلال خدا گردد. 16 پس دلسرد نمی‌شویم. هر چند انسان ظاهری ما فرسوده می‌شود، انسان باطنی روز به روز تازه‌تر می‌گردد. 17 زیرا رنجهای جزئی و گذرای ما جلالی ابدی برایمان به ارمغان می‌آورد که با آن رنجها قیاس‌پذیر نیست. 18 پس نه بر آنچه دیدنی است، بلکه بر آنچه نادیدنی است چشم می‌دوزیم، زیرا دیدنیها گذرا، اما نادیدنیها جاودانی است.



یک روز داشتیم یک گروه کر را تماشا می‌کردم که یکی از کانتات‌های باخ را تمرین می‌کرد. به نظرم می‌رسید که گروه کر هنوز برای اجرا کردن کنسرت شان آماده نبودند، زیرا حتی با گوش غیرموسیقایی ام می‌توانستم ناهماهنگی‌های بین تک تک قسمت‌های گروه کر را تشخیص دهم. رهبر ارکستر به گروه کر اجازه داد مدتی بدهد تا نوازی کنند تا ببینند آیا می‌توانند هماهنگ باشند. اما بی‌فایده بود چون کاملاً ناهماهنگ بودند. در نهایت او مجبور شد تمرین را متوقف کند و گروه کر بایستی دوباره از نو شروع می‌کرد. رهبر ارکستر در سخنرانی کوتاهی پس از آن اصول‌های اولیه را به گروه کر یادآوری کرد که شبیه این بود:

۱. شما فقط روی نت‌های خودتان تمرکز می‌کنید... به تصویر بزرگتر توجه کنید!

۲. علامت مشخصه را نادیده گرفتید و گام ماژور را به مینور تبدیل کردید.

۳. باید به ریتم توجه کنید!

مانند تمرین گروه کر، مسیحیان پس از رستخیز خداوند ما عیسی نیاز به تمرین داشتند. مسیحیان رستخیز معجزه آسای پروردگارشان را تجربه کرده بودند، اما پس از آن به زندگی روزمره بازگشتند. سختی‌ها و مصیبت‌های زندگی روزمره امید به مسیح را از بین برد. قرنن ۴ نیز ناهماهنگی اساسی را تجربه می‌کردند زیرا نمی‌توانستند بین زندگی در این جهان و امید به جهان آینده تعادل برقرار کنند. برخی معتقد بودند که مسیحیان از قبل باید موجوداتی روحانی باشند و ارتباط خود را با دنیای فیزیکی قطع کنند. برای مثال، این دیدگاه باعث شد که در پولس به دیدگاه تحقیر بنگرند زیرا او با قدرت و اقتدار روحانی بیشتری ظاهر نشد. اما برخی دیگر معتقد بودند که مسیحیان بایستی خود را به این دنیا کاملاً تطبیق دهند، زیرا رستخیز و پیروزی نهایی بر مرگ وجود ندارد. در این شرایط، کلیسای قرینت کاملاً هماهنگ نبود و موسیقی که از کلیسا بیرون می‌آمد ناهماهنگی و حسرتناکی داشت. حالا فایده‌ای نداشت آنها را به صورت نسبی درست کنند، پولس مجبور شد کل آشفستگی را متوقف کند و از نو شروع کند. او مانند رهبر ارکستر در تمرین گروه کر، اصول اساسی زندگی مسیحی اولیه را یادآوری کرد:

۱. کلیسا باید نه تنها به نت‌های خود، بلکه به تصویر بزرگتر توجه کند.

۲. کلیسا باید به علامت مشخصه، یعنی رستخیز مسیح توجه کند.

۳. کلیسا باید به ریتمی توجه کند که خداوند از ازل برای ما تعیین کرده است.

۱. همانطور که یک نوازنده می‌تواند به طور کامل بر روی نت‌های موسیقی خود تمرکز کند در حالی که تصویر بزرگتر را نادیده می‌گیرد، ما مسیحیان نیز می‌توانیم با زندگی و مشکل شخصی خودمان درگیر باشیم. این در طبیعت انسانی ما نهفته است که برای چیزهایی که بلافاصله در اطرافمان اتفاق می‌افتد ارزش بیشتری قائل هستیم. به عنوان مثال، وقتی من در یک بحث هستم، تمام احساسات، عواطف و نیروی من معطوف به این نقطه است. وقتی مریض می‌شوم، تمام زندگی‌ام تحت تأثیر درد کنونی قرار می‌گیرد و زندگی‌ام را سنگین می‌کند. اما دقیقاً همین تمرکز بر جنبه‌های منفی لحظه است که ما را از تعادل خارج می‌کند. مشابه رهبر گروه کر، مسیح ما را فرا می‌خواند تا فراتر از نت‌ها نگاه کنیم. شما نمی‌توانید فقط بر روی نت‌هایی که در آن لحظه می‌نوازید تمرکز کنید، بلکه باید به تصویر بزرگتر توجه کنید. درست است که نت‌هایی که در حال حاضر می‌نوازیم شامل بیماری، مرگ و ضعف انسانی هستند. اما به یاد داشته باشید که نور مسیح در قلب شما به کل زندگی مربوط می‌شود و به اولین کلمه‌ی آفرینش خدای ما که نور را از تاریکی بیرون آورد، مرتبط است. پولس در این قسمت می‌گوید که ما مثل ظروف سفالی هستیم و بنابراین همه ویژگی‌های ظروف سفالی را داریم. اما این تنها یک جنبه از نت‌های زندگی است. موسیقی‌ای که در حال حاضر می‌نوازیم فقط بخشی از زندگی است. خیلی بیشتر از کاری که در حال حاضر انجام می‌دهیم در آن وجود دارد. یکشنبه امروز ما، "جشن ستایش" نامیده می‌شود - این به معنای شادی است! شادی کردن در مورد معجزه‌های خدا! اینطور نیست که فقط بخاطر زندگی سالم و خوشنود خوشحال بشویم. نه،

شادمانی که داریم به تصویر بزرگتر اشاره می کند. ما به دلیل رستاخیز عیسی خوشحالیم دقیقاً به این دلیل که او صلیب و مرگ را پشت سر گرفت. ما همچنین خوشحالیم زیرا می توانیم اعماق زندگی خود را زیر صلیب و در مسیح ببینیم. ما می توانیم شادی و رنج را در زیر صلیب و در رستاخیز خداوندمان عیسی قرار دهیم و در آن خدای خالق را بشناسیم که از ابتدا ما را می خواست و بنابراین به ما امید داد که بتوانیم یک مخلوق جدید باشیم.

۲. با این حال، ما فقط می توانیم همه این کارها را انجام دهیم زیرا علامت مشخصه "در مسیح" را در جلو زندگی خود داریم. در انجیل امروز شنیدیم که در مسیح کاشته شده ایم که تاک حقیقی است و می توانیم از قدرت او نمو کنیم. ما مانند شاخه هایی هستیم که به او متصل هستیم. فقط از طریق همین ارتباط با عیسی است که زندگی ما ارزشی متفاوت و جدید پیدا می کند. این عیسی تمام زندگی ما را هماهنگ می کند. این علامت عیسی از طریق غسل تعمید وارد زندگی ما شده است. به دلیل این علامت، هر چیز دیگری که تجربه می کنیم ارزش کاملاً متفاوتی دارد. و مطمئناً می توانیم چیز های فراتر از نشیب های کنونی را تجربه کنیم. علامتها "در مسیح" هستند که زندگی کنونی و ابدی را تعیین می کنند. پولس به دلیل اینکه در مسیح کاشته شد، آرامش زیادی داشت حتی در شرایط ضعف به آن علامت مسیح نگاه می کرد. ما نیز با ضعف انسانی احاطه شده ایم. اما مهم نیست. آنچه ما را شکل می دهد و ما را مشخص می کند مسیح است! در مسیح می توانیم حتی در شرایط ضعف به ضعف بودن خود بیالیم، زیرا می دانیم که در مسیح نشانه ای بسیار متفاوت داریم. و این نشانه زندگی جدید است! و یک موجود جدید!

۳. مهم است که ریتم را در زندگی خود مانند یک سمفونی موزون نگه داریم. در این بخش، پولس چیزهایی را کنار هم قرار می دهد که در واقع به هم تعلق ندارند و بنابراین می توانند ما را از هماهنگی خارج کنند. از یک طرف از ظرف سفالی صحبت می کند که فانی است و از طرف دیگر از موجود جدید صحبت می کند که برای همیشه زندگی می کند. از یک سو، از مصیبت و خستگی، از سوی دیگر، از جلال فرزندان خدا صحبت می کند. هر دو در زندگی مسیحی به هم تعلق دارند. حالا مهم این است که ریتم را حفظ کنیم. درست است که ما مسیحیان نیز خسته می شویم یا امید خود را از دست می دهیم. چیزهای منفی در زندگی می توانند کل زندگی ما را تعیین کنند. گاهی اوقات ما نیز فکر می کنیم که ایمان خود را از دست داده ایم یا دیگر نمی توانیم به خدا باور داشته باشیم. اینها همه حقایقی در زندگی ما هستند. اما ما نباید اجازه دهیم این چیزها کل ریتم را تعیین کنند. ریتم توسط عیسی تنظیم شده است. و این ریتم از واقعیت جدیدی بیرون می آید که عیسی اداره می کند. واقعیت جدیدی که در عیسی وجود دارد معتبر است و ما بر اساس آن زندگی می کنیم و نه بر اساس زندگی روزمره. این بدان معنی است که همه چیزها به دلیل مسیح در اعتبار هستند! هنگامی که یک گروه کر تمرین می کند، هر یک از اعضا باید توجه زیادی به رهبر ارکستر داشته باشد تا از هماهنگی خارج نشود. و به همین ترتیب با تمرکز و توقع فراوان به تک تک کلام های خداوند نگاه می کنیم و به خود اجازه می دهیم که با آن مُعین شویم. کلام عیسی ریتم را تعیین می کند. یکی از زندانیان معنای آن زندگی در مسیح را به صورت ملموس توضیح داد. او ماه ها شکنجه شد و با این حال ثابت قدم بود. بعد از مدتی یک زندانبان نزد او آمد و پرسید: می توانی به من بگویی قدرت تو از کجا می آید؟ سپس این زندانی توانست در مورد مسیح به نگهبان زندان بگوید. می تواند اینطور باشد. در بدن ضعیف و ویران، اما در مسیح پیروز و سرشار از امید به رستاخیز. آمین.